



آزموده را آزمودن خطاست

سرمة آزموده را آزمودن دوباره، سبب کوری چشم میشود

بی بی یک کم چهل از لندن گزارش می دهد، که ایکاش نمی داد و بر زخم های متعدد خونین ملت غیور افغان، مانند همیشه نمک پاشی نمی کرد. گزارش مورد نظر اندکی هم مشرح است و مرچ و نمک فراوان هم دارد، اما از مزه طبق معمول در آن خبری نیست که نیست و صرف به درد کسانی می خورد که عادت همیشگی شان است، نان و غذای جویده شده دیگران را تناول کنند و حتی زحمت جویدن را هم به خود نمی دهند و اکثراً هم شکر خدا به زخم معده مبتلا اند. گزارش متذکره را با حذف مرچ و نمک، از شوری و تندی اندکی کشیده و کمی هم مزه بر آن علاوه میکنم تا نشود که خدای ناخواسته سبب مشکلات هاضمه و سوزش و درد معده هموطنان ما گردد.

بی بی یک کم چهل چنین گزارش می دهد:

"شماری از چهره های جهادی و سیاسی افغانستان در تبعید، که تشکلی با نام «شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان» ایجاد کرده اند، امروز در یک جلسه آنلاین گردهم آمده و دیدگاه های خود را اعلام کرده و از منشور خود رونمایی کردند. این تشکل عمده ترین ائتلاف سیاسی است که پس از یک سال در برابر حکومت طالبان ایجاد شده است."

این شوله باسی را امریکا و متحدین غربی آن، بیشتر از چهار دهه قبل برای ملت مظلوم افغانستان پخته بودند تا بجای کچالو و شلغم روسی نوش جان کنند، و چنان بود که شلغم و کچالوی روسی نفخ و باد تولید کرد و شوله امریکائی، باعث سوزش معده و اسید معده گردید و هزار و یک مرض دیگر تولید کرد که یکی از آنها مرض مدهش "خود بزرگ بینی" و "قهرمان سازی" است. آنان که چهار دهه قبل با اشتهای تمام، شوله شور و تند و خام و ختل امریکائی را زهر مار کرده بودند، همان شوله باسی را امروز زهر مار میکنند که امید است زهر مقاتل گردد در جان هریک آنان.

این شورا بر مشارکت عادلانه همه اقوام افغانستان و برگزاری انتخابات آزاد و شفاف و عادلانه تاکید دارد.

نه! آن شوله باسی و تاریخ تیرشده و تاریخ زده و تاریخ شرمانده و شور و تند، ارزانی خود تان باد که این ملت بیچاره را سخت گلوگیر است. شما ها چنان دل مردم را از شوله های باسی بد کرده اید که اگر از گرسنگی در حالت مرگ هم باشند، میل به شوله باسی شما ها هرگز نمی کنند. تاکید نه کنید که از گرسنگی مردن، بهتر است از شوله تاریخ گذشته و باسی و بدمزه شما ها که بر علاوه مرچ و نمک فراوان، با خون جان افغان پخته شده است و هنوز هم بوی خون میدهد.

یونس قانونی از چهره های سیاسی در این نشست (مجلس) که از طریق زوم برگزار شد، گفت که این شورا تلاش دارد تا «طریق بسیج مردم و فشار سیاسی» طالبان را وادار به تمکین به خواسته های مردم و تغییر روش و آماده پذیرش «گذار به وضعیت مطلوب» کند.

قانونی خان بی قانون، خلاف قانون و مثل همیشه تلاش دارید تا لقمه های جویده شده را فرو دهید، دیگر مردم به لفاظی های تهوع آور شماها، پیاز هم خورد نمی کنند. همین مردم امروز به خون هریک شماها سخت تشنه اند و اگر روزی به دست مردم بیفتید، هریک شماها را قیمة قیمه نموده و در کاسه سگان خویش می اندازند. گزار به وضعیت مطلوب از نگاه شماها جمع نامطلوب، همانا برگشت به چور و چپاول و قتل و کشتار و زورگوئی و ثروت اندوزی است که هیچ کدام تان سیرائی ندارید و معده های از کار افتاده تان چنان کلان شده اند که اگر کوه ها را گوشت و دریا ها را شوربا بسازند و به حلقوم شما بریزند، باز هم سیر نمی شوید و یک دوغ هم قرضدار شما خواهیم ماند.

او گفت که براساس توافقی که در میان آنها شده است، ریاست این شورا «دورانی است و در پایان هر جلسه شورا، رئیس بعدی تعیین خواهد شد.»

این بدان معنی تواند بود که طبق معمول و بر روال همیشگی و عادت به مرگ تان، کیش شخصیت در بین تان هنوز هم بیداد میکند و هیچ یک بر دیگر تان اعتماد ندارید. این قضیه هیچ ربطی به احترام به دیموکراسی و احترام بر اراء دیگران ندارد و از همین حالا باهم دیگر بالای لحاف ملانصرالدین، مشت به یخن هستید، وای به روزی که یک چامپه جای (از بلیست در اینجا صحبت نمی کنیم که خواب است و خیال است و محال است و جنون) در داخل خاک مقدس افغانستان خدای ناکرده به دست آورید.

احمد مسعود که خود او نیز گروهی موسوم به «جبهه مقاومت ملی» را تشکیل داده است نیز در این نشست (مجلس) مجازی گفت که «تلاش ما برای انسجام همه گروه ها و طیف ها برای یافتن راه حل افغانستان است و این یک ائتلاف کلان جریان ها و گروه هاست».

این احمدک پوده، بچهٔ فلم هنوز نمی داند که برای افغانستان راه حل یافتن یک سخن ناسنجیده و سخیف و بی معنی است، راه حل باید برای "مشکل" افغانستان جست و جو گردد، نه خود افغانستان. ائتلاف کلان شماها را بیشتر از سه دهه مردم مظلوم افغانستان با گوشت و پوست و استخوان خویش تجربه کردند و چه دردآور بود. برای شماها راه حل، همانا به دست آوردن چند مقام و چوکی از دست رفته است و اینرا همه شکر میدانند.

او تاکید کرد که ضرورت این گونه نشست ها (مجلس ها)، آمادگی «ملت ما برای مقاومت» در برابر طالبان است.

ملت را از "مقاومت زیر لحاف" شما ها به فرسخ ها فاصله است و این ملت برده بار و مقاوم، دیگر در دهان های متعفن و خون آلوده شماها، حتی پیاز هم ریزه نمی کنند که با شولهٔ باسی تان زهرمار کنید.

جنگجویان وابسته به آقای مسعود در برخی از مناطق از جمله پنجشیر و اندراب درگیری هایی با طالبان داشته اند. (این ادعا را گزارشگر بی بی یک کم چهل از معدهٔ خود کشیده است و به خورد این جمع نامتجانس داده است، چون در تیار خوری عادت دارند)

در ادامه سخنان این نشست (مجلس شوله خوری) آقای قانونی که اداره این جلسه مجازی را برعهده داشت، افزود اگر طالبان به جنگ، تصفیه قومی و سیاسی متوسل شود، چنانکه در یک سال گذشته عملاً نشان داده است، در آن صورت بجز «گزینه دوام و گسترش مقاومت» راه دیگری در پیش وجود ندارند و به گفته او «جبهه های مقاومت گسترش پیدا می کند». کور خود بینای مردم که شاخ و دم ندارد و مقاومت زیر لحاف هم، چنان گسترش خواهد یافت که یک سر آن در لندن و پاریس باشد و سر دیگر آن در ترکیه و تاجکستان و سمرقند و بخارا.

آقای قانونی در این جلسه گفت که آنها تا روزهای آخر به ایستادگی و مقاومت در کنار مردم پرداختند در حالی وظیفه رسمی در دولت وقت نداشتند.

او افزود که در روزهای سقوط شهرهای عمده افغانستان «حلقاتی از جانب شورای امنیت ملی، توطئه برای قصد جان آن ها را داشت.»

مردم "مقاومت" شماها را با چشم و سر دیدند که چهار پا داشتید، چهار دیگر قرض کردید و راه فرار پیش گرفتید. شوله تانرا خوردید و پرده تانرا کردید و مملکت و مردم را در میدان تنهای تنها گذاشتید. هیچ سگی (با عرض معذرت از سگان تمام عالم) خیال سگ کشی نداشت، کمی خجالت بکشید اگر هنوز چیزی بنام وجدان در وجود بی وجود تان موجود باشد هنوز.

او گفت که این رهبران در آن روزها «طرح دفاع مشترکی» در برابر پیشروی سریع طالبان را به آقای غنی پیشنهاد کردند که مورد قبول قرار نگرفت.

"طرح دفاع مشترک" تانرا مردم در عمل در مزارشریف دیدند که در فرار کم بود از سر و شانه همدیگر بلا رفته و اولتر خود را به حامیان بیرونی تان برسانید که رساندید، اینکه چند نفر در حین فرار تان در زیر پاها خورد و خمیر شد، به خدای حق معلوم.

آقای قانونی گفت که «پس از هر فاجعه گام اول انسجام و گردهم آمدن است که انجام شده است.» و از طرف دیگر، به گفته او «ایجاب می کرد که به طالبان فرصتی داده شود اما طالبان در یک سالی که گذشت، نشان داد که زشت تر، تندتر و خشن تر شده است.»

این بدان معنی تواند بود که با عرض معذرت" بعد از گوز زدن، چهارزانو نشستن"، اما بوی گند آنرا چه چاره خواهید کرد، آنهم در صورتیکه شوله باسی چهل ساله را شب قبل با ولع، لم لم فرو داده باشید. و دیگر هم اینکه اگر فرصت نمی دادید، چه می شد که امروز نشده است. این ملت مظلوم با زور یا رضا یا به وسیله زر و زور و تزویر، به هریک از شماها، بیشتر از بیست سال فرصت دادند و بگفته شاعر:

دنیا طیاره ساخت و دل آسمان شگافت

ما هنوز در غم همان کاغذپرانکیم

علی حسینی، بی بی سی

این گردهمایی ویدیویی مهمترین اتفاق سیاسی یک سال گذشته و پس از سقوط نظام جمهوریت محسوب می شود که در برابر طالبان رقم خورده است.

علی حسینی جان، گزارشگر بی بی یک کم چهل، شما جناب یا هنوز در خواب خرگوش تشریف دارید و یا هم تازه گویا بیدار شده اید. خدا به داد تان برسد که یک جلسه انترننتی زیر لحاف چهار کج کلاه و تیار خور را، چنان بزرگ نمائی میکنید. شرم تان باد.

تقریباً همه چهره های شناخته شده چهار دهه ای گذشته افغانستان بویژه (بخصوص) از اقوام غیرپشتون در این جبهه حضور دارند و این نقطه قوت آن محسوب می شود.

این قوم و قوم بازی و تفرقه اندازی انگلیس ها و بی بی یک کم چهل شان، سابقه بس طولی دارد. از جانب دیگر علی جان حسینی آیا گفته می توانید که چگونه غیبت یک قوم، نقطه "قوت" شده می تواند؟

چالش (جد و جهد و تلاش) عمده در برابر این ائتلاف اما کسب اعتماد هواداران شان و در کل جریان ضد طالبان است. اعتماد که یکبار رفت، دیگر هرگز بر نمی گردد. اعتماد از دست رفته به منزله کاسه بشکسته است که می توان آنرا پتره کرد، اما هرگز کاسه اصلی نمی شود.

این افراد با در نظر داشت این که سال ها رهبری بخش عمده ای از افغان ها را برعهده داشتند، مورد انتقاد جدی هم قرار گرفته اند؛ چه در زمانی که صاحب قدرت و صلاحیت بوده اند و چه در برخورد با طالبان قبل از سقوط نظام جمهوریت.

این افراد بخش عمده از افغانها را رهبری نمی کردند، بلکه بخش عمده سرمایه ملت را به بانک های خارج رهبری میکردند و تا آخرین دقایق فرار نیز مشغول همان کار بودند.

به نظر می رسد این ها در حال حاضر در تلاش هستند تا در میدان «عملکرد نامناسب طالبان» یارگیری کنند و امیدوار هستند که افغان های ناراضی از طالبان وارد جبهه شان شوند.

این فراریان بی آبرو، هیچ جبهه ندارند، نه در خارج و نه هم در داخل کشور، جبهات اینها مانند همیشه، جبهات زیر لحاف اند که هرگاه از آن شوله های باسی باری باز هم زهرمار کنند، باد و تعفن بیرون میدهند. گناه آنها نیست، شوله باسی سی ساله خاصیتش همین است.

رهبران شرکت کننده در این نشست (مجلس شوله باسی خوری) در منشور این شورا که متن آن در جلسه قرائت شد، گفتند که از جامعه جهانی به خاطر قرار گرفتن در کنار مردم افغانستان و به رسمیت نشناختن حکومت طالبان «سپاس گذاریم» اما «این موضع جامعه جهانی را دربرخورد با طالبان بسنده نمی دانیم». اینها با شوله باسی خوردن، انتظار یک کاسه ترشی تره نیز دارند که دستی از غیب برون آید و در حلقوم شان ریزد.

آنها از جامعه جهانی خواستند که «برپایی نظام و دولت آینده این کشور مبتنی برخواست و انتخاب مردم با مشارکت همه اقوام و مذاهب و با مشارکت زنان و جوانان و عدم بازگشت رژیم امارت طالبان» را مدنظر قرار بدهند.

یعنی اینکه ماها را باردیگر بیآورید تا غنایم را باهم تقسیم کنیم. شوله از شما و ترشی تره را هم ملا تره خیل می آورد. هردو شوله خود را می خوریم و پرده خود را میکنیم، درست مانند، بیست سال پسین.

و اما باری مارتین لوترکینگ چه خوش گفته بود:

اگر کسی یکبار مرا فریب داد، شرم بر او باد!

اما اگر دوباره مرا فریب داد، شرم بر من باد!